

شیخ صدوق علیه السلام

عَلَمُ الشَّرَائِعِ

ترجمہ و تفسیر

سید محمد جواد ذہبی اہل سنتی اہل سنتی

جلد اول



عَلَمُ الشَّرَائِعِ

جلد اول

فهرست

مقدمه ناشر ۲۴

مقدمه مترجم ۲۶

باب اول جهت نامیدن آسمان، به آسمان و دنیا به دنیا و آخرت به آخرت ۲۹

باب دوم سر پرستیده شدن آتش ۳۵

باب سوم سر پرستیده شدن بت‌ها ۳۷

باب چهارم سر نامیده شدن عود به خلاف ۳۹

باب پنجم سر فراری و وحشی شدن حیوانات وحشی و پرندگان و درندگان و جانداران دیگر ۳۹

باب ششم سر پیدا شدن بهتر از فرشتگان و بدتر از چهار پایان بین مردم ۴۱

باب هفتم سر برتر شدن انبیاء و رسولان و حجج صلوات الله علیهم از فرشتگان ۴۱

باب هشتم منحصر بودن جعل احکام در وجود مصالح و حکم ۵۱

باب نهم سر آفرینش مخلوقات و اختلاف حالاتشان ۵۳

باب دهم سر نامیده شدن جناب آدم به آدم ۶۹

باب یازدهم سر نامیده شدن انسان به انسان ۷۱

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۶

باب دوازدهم سر خلقت آدم بدون پدر و مادر و آفرینش عیسی بدون پدر و ایجاد سائرین از پدر و مادر ۷۱

باب سیزدهم سر این که چرا خداوند عز و جل ارواح را که مجرد و در محلی رفیع بودند در ابدان قرار داد ۷۳

باب چهاردهم سر نامیده شدن حوا به حوا ۷۵

باب پانزدهم سر نامیده مراهِ (زن) به مراهِ ۷۷

باب شانزدهم سر نامیدن نساء (زنان) به نساء ۷۷

باب هفدهم سر کیفیت پیدایش نسل ۷۷

باب هیجدهم مقاله محمد بن بحر شیبانی علیه الرحمه معروف به رهنی ۸۵

باب نوزدهم سر نامیدن ادریس علیه السلام را به ادریس ۱۱۳

باب بیستم سر نامیدن نوح علیه السلام را به نوح ۱۱۷

باب بیست و یکم سر نامیدن حضرت نوح علیه السلام را به عبد شکور ۱۱۹

باب بیست و دوم سر نامیدن طوفان به طوفان و جهت پیدایش قوس ۱۱۹

باب بیست و سوم سر غرق نمودن خداوند عز و جل دنیا را در زمان نوح علیه السلام ۱۲۱

باب بیست و چهارم سر نامیدن قریه حضرت نوح به قریه ثمانین ۱۲۳

باب بیست و پنجم سر این که خداوند عز و جل در باره فرزند نوح علیه السلام فرمود او از اهل تو نیست ۱۲۳

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۷

باب بیست و ششم سر نامیدن نجف به نجف ۱۲۵

باب بیست و هفتم سر گفتار نوح علیه السلام: **إِنك إِن تذرهم يضلوا عبادك و لا يلدوا إلا فاجرا كفارا** ۱۲۷

باب بیست و هشتم سر این که در بین مردم گروههای سودان و ترک و سقالبه و یاجوج و مأجوج پدید آمدند ۱۲۹

باب بیست و نهم سر این که خداوند عز و جل دوست دارد انبیائش کشاورز و چوپان باشند ۱۲۹

باب سیام سر نامیدن بادی که خدا با آن قوم عاد را هلاک کرد ۱۳۱

باب سی و یکم سر نامیدن ابراهیم علیه السلام به ابراهیم ۱۳۵

باب سی و دوم سر به دوستی برگزیدن حق تعالی ابراهیم علیه السلام را ۱۳۵

باب سی و سوم سر این که خدای عز و جل فرمود: و ابراهیم الذی وفی ۱۴۵

باب سی و چهارم سر این که اسماعیل علیه السلام مادرش را در حجر دفن نمود ۱۴۷

باب سی و پنجم سر این که اسبها «جیاد» یعنی نیکوها گفته می‌شود ۱۴۷

باب سی و ششم سر این که ابراهیم علیه السلام آرزوی مرگ نمود بعد از آن که از آن کراهت داشت ۱۴۹

باب سی و هفتم سر نامیدن ذو القرنین به ذو القرنین ۱۵۵

باب سی و هشتم سر نامیده شدن اصحاب رس به اصحاب رس و جهت نامیدن عجم ماههای خود را به ابان و آذر و غیر این دو ۱۵۷

باب سی و نهم سر نامیدن حضرت یعقوب علیه السلام به یعقوب و جهت نام گذاری اسرائیل به اسرائیل ۱۶۵

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۸

باب چهلم سر این که انبیاء و مؤمنین به گرفتاری‌ها مبتلا می‌شوند ۱۶۹

باب چهل و یکم سر امتحانی که خدای عز و جل یعقوب علیه السلام را نمود و وی را مبتلا ساخت به آنچه یوسف در خواب دید ۱۷۱

باب چهل و دوم سر گفتار برادران حضرت یوسف علیه السلام به حضرتش: **إن یسرق! فقد سرق أخ له من قبل** ۱۸۷

باب چهل و سوم سر گفتار منادی در کاروانی که برادران یوسف بودند و علت این ندایش که سر داد: **أیتها العیر إنکم لسارقون** ۱۹۱

باب چهل و چهارم سر گفتار یعقوب علیه السلام به فرزندانش: **یا بنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه** ۱۹۵

باب چهل و پنجم سر این که یعقوب علیه السلام بوی یوسف را از فاصله ده روز سیر یافت. ۱۹۷

باب چهل و ششم سر گفتار یوسف به برادرانش: **لا تثریب علیکم الیوم** و این که چرا یعقوب علیه السلام به آنها فرمود: **سوف أستغفر لکم ربی** ۱۹۹

باب چهل و هفتم سر خارج نشدن پیامبر از صلب یوسف علیه السلام ۲۰۳

باب چهل و هشتم سر ازدواج جناب یوسف علیه السلام با زلیخا ۲۰۵

باب چهل و نهم سر نامیدن جناب موسی علیه السلام به موسی ۲۰۷

باب پنجاهم سر برگزیدن حق تعالی جناب موسی علیه السلام را برای تکلم کردن با او نه مخلوقات دیگر را ۲۰۹

باب پنجاه و یکم سر این که خداوند عز و جل موسی را خادم شعیب علیه السلام قرار داد ۲۱۱

باب پنجاه و دوم سر این که فرعون وقتی گفت: **ذرونی أقتل موسی** چرا موسی علیه السلام را نکشت ۲۱۳

باب پنجاه و سوم سر این که خدای عز و جل فرعون را غرق فرمود ۲۱۳

باب پنجاه و چهارم سر نامیدن خضر علیه السلام به خضر و ذکر آن حضرت علل افعال ۲۱۹

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۹

باب پنجاه و پنجم سر گفتار حق تبارک و تعالی در هنگام سخن گفتن با موسی ۲۴۳

باب پنجاه و ششم سر این که حق عز و جل به موسی و هارون فرمود: **اذهبا إلی فرعون إنه طغی**، فقولا له قولا لینا لعله

یتذکر أو یخشی ۲۴۵

باب پنجاه و هفتم سر نامیده شدن کوهی که جناب موسی علیه السلام هنگام سخن گفتن با خدا به آن رفت به طور

سینا ۲۴۷

باب پنجاه و هشتم سر این که چرا هارون به موسی علیهما السلام گفت: **یا بن أم لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی** و نگفت:

یا ابن ابی ۲۴۷

مقاله مرحوم مصنف در ذیل حدیث ۲۴۹

باب پنجاه و نهم سر حرام شدن صید در روز شنبه بر یهودیان ۲۵۳

باب شصتم سر نامیده شدن فرعون به «ذا الأوتاد» ۲۵۳

باب شصت و یکم سر آرزوی مرگ نمودن موسی علیه السلام و معلوم نبودن قبرش ۲۵۳

باب شصت و دوم سر گفتار سلیمان علیه السلام: **رب اغفر لی و هب لی ملکاً لا ینبغی لأحد من بعدی** ۲۵۷

باب شصت و سوم سر زیاد بودن حروف اسم سلیمان از اسم پدرش داود علیه السلام و سر نامیدن داود به داود و

علت مسخر شدن باد برای سلیمان و جهت تبسم نمودن سلیمان از کلام مور و خندان شدنش ۲۶۱

باب شصت و چهارم سر یافت شدن آب و گل در هر کجا که موریانه باشد ۲۶۳

باب شصت و پنجم سر مبتلا شدن ایوب پیغمبر علیه السلام ۲۶۹

باب شصت و ششم سر برگرداندن خداوند عز و جل عذابی را که تا بالا سر قوم یونس آمده بود و نسبت به هیچ قومی غیر از ایشان چنین نکرد ۲۷۵

باب شصت و هفتم سر نامیده شدن اسماعیل بن حزقیل به صادق الوعد ۲۷۷

باب شصت و هشتم سر بیشتر بودن ناس (مردم) از بنی آدم ۲۷۹

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۱۰

باب شصت و نهم سر این که نصرانی‌ها شب میلاد مسیح علیه السلام آتش افروخته و با گردو بازی می‌کنند ۲۸۱

باب هفتادم سر این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام متولد شدن همچون عیسی علیه السلام سخن حکمت آمیز نفرموده ۲۸۱

باب هفتاد و یکم سر کشتن کفار جناب زکریا علیه السلام را ۲۸۳

باب هفتاد و دوم سر این که حواریون را حواریون و نصاری را نصاری خوانده‌اند ۲۸۵

باب هفتاد و سوم سر این که کودکان را به خاطر گریه نمودن نمی‌توان زد ۲۸۷

باب هفتاد و چهارم سر خشک شدن اشک چشمان و سختی دلها و از یاد بردن گناهان ۲۸۷

باب هفتاد و پنجم سر زشتی زشت رویان ۲۸۹

باب هفتاد و ششم سر این که آفات در اهل حاجت و فقراء بیشتر می‌باشد ۲۸۹

باب هفتاد و هفتم سر تولد مؤمن از کافر و تولد کافر از مؤمن و علت کار زشت نمودن مؤمن و عمل نیک انجام دادن کافر ۲۹۱

باب هفتاد و هشتم سر وقوع گناه و علت توبه و قبول آن ۲۹۵

باب هفتاد و نهم سر وقوع توافق و اختلاف بین مردم ۲۹۵

باب هشتادم سر این که در مؤمنین تندی و تیزی است و در مخالفین ایشان این معنا منتفی است ۲۹۹

باب هشتاد و یکم سر بودن تلخی در گوش‌ها و شیرینی در لبها و شوری در چشم‌ها و رطوبت و سردی در بینی ۳۰۱

باب هشتاد و دوم سر این که مردم عقل داشته ولی علم ندارند ۳۲۳

باب هشتاد و سوم سر فراخ بودن روزی احمقان و ابلهان ۳۲۵

باب هشتاد و چهارم سر غمگین و محزون شدن و شاد و مسرور گشتن انسان بدون سبب ۳۲۵

باب هشتاد و پنجم سر عروض نسیان و حصول ذکر و سبب شبیه بودن شخص به عمو و عمه‌ها و دایی و خاله‌ها ۳۲۹

باب هشتاد و ششم سر این که در بسیاری از مردم عقل یکی می‌باشد ۳۴۱

باب هشتاد و هفتم اسرار آفرینش اعضاء و جوارح در انسان ۳۴۳

باب هشتاد و هشتم سر این که مبعوض‌ترین موجودات نزد خدا شخص احمق می‌باشد ۳۵۳

باب هشتاد و نهم سر این که موی در کف دست نبوده ولی در پشت دست می‌روید ۳۵۵

باب نودم سر معمول شدن تحیت بین مردم به عبارت السلام علیکم و رحمة الله و برکاته ۳۵۷

باب نود و یکم سر تیز و کند بودن فهم ۳۵۷

باب نود و دوم سر حسن و سوء خلق ۳۵۹

باب نود و سوم سر این که جایز نیست شخص در حق فرزندش بگوید وی به من و پدرانم شباهت ندارد ۳۶۱

باب نود و چهارم سر این که پدران از ناحیه فرزندان چیزی را می‌یابند که فرزندان از طرف پدران آن را نمی‌یابند

۳۶۱

باب نود و پنجم سر و سبب پیری و آغاز آن ۳۶۱

باب نود و ششم سر پیدایش طبایع و شهوات و محبت‌ها در مخلوقات و انسان‌ها ۳۶۳

باب نود و هفتم سر پیدایش معرفت و انکار ۴۰۷

باب نود و هشتم سر محجوب بودن حق جل جلاله از مخلوقاتش ۴۱۱

باب نود و نهم سر اثبات انبیاء علیهم السلام و اختلاف دلائل ایشان ۴۱۳

باب صدم سر معجزه داشتن انبیاء علیهم السلام ۴۲۱

باب صد و یکم سر نامیده پیامبران اولو العزم به این نام ۴۲۱

باب صد و دوم سر این که حق تعالی امر به اطاعت رسولان و ائمه علیهم السلام نموده ۴۲۳

باب صد و سوم سر احتیاج به پیامبر و امام علیهما السلام ۴۲۵

باب صد و چهارم سر این که نبی اکرم صلی الله علیه و آله افضل انبیاء علیهم السلام می باشد ۴۲۷

باب صد و پنجم سر نامیده شدن پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به لقب «امی» ۴۲۷

باب صد و ششم سر نامیده شدن نبی اکرم صلی الله علیه و آله به محمد و احمد و ابو القاسم و بشیر و نذیر و داعی و

ما حی و عاقب و حاشر و احید و موقوف و مقفی ۴۳۳

باب صد و هفتم سر این که خداوند عز و جل به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود: **فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا**

إِلَيْكَ فَسْئَلُ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ ۴۳۹

باب صد و هشتم سر سلام کردن نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر کودکان ۴۴۳

باب صد و نهم سر نامیدن نبی اکرم صلی الله علیه و آله به یتیم ۴۴۵

باب صد و دهم سر این که حق تعالی نبی اکرم صلی الله علیه و آله را یتیم نمود ۴۴۷

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۱۳

باب صد و یازدهم سر این که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزند پسر باقی نماند. ۴۴۷

باب صد و دوازدهم سر معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۴۴۷

باب صد و سیزدهم سر این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از پروردگار عز و جل تقاضا نکرد ۴۵۱

باب صد و چهاردهم سر این که نبی اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به عقیل بن ابی طالب دو محبت داشتند ۴۵۵

باب صد و پانزدهم سر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله تناول از کتف گوسفند را از سایر اعضاء بیشتر دوست

می داشت ۴۵۵

باب صد و شانزدهم سر نامیده شدن عزیزان حق تبارک و تعالی به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات

الله علیهم اجمعین ۴۵۷

باب صد و هفدهم سر وجوب محبت داشتن بندگان به خدا و رسولش و اهل بیت رسولش صلوات الله عليهم اجمعين

۴۶۹

باب صد و هیجدهم سر محبت باطل ۴۷۳

باب صد و نوزدهم سر واجب بودن دوستی و دشمنی در راه خدا و لزوم موالات ۴۷۳

باب صد و بیستم سر دوست داشتن اهل بیت عليهم السلام پاکی ولادت و سبب دشمنی با ایشان آلودگی و ناپاکی

ولادت می‌باشد ۴۷۵

باب صد و بیست و یکم سر این که چرا مردم علی علیه السلام را ترک کرده و تابع غیر آن حضرت شده با این که

به فضل و برتریش از غیر اعتراف داشتند ۴۸۵

باب صد و بیست و دوم سر این که امیر المؤمنین علیه السلام با اهل خلاف ستیز و جنگ فرمود ۴۸۹

خطبه شقشقیه ۵۰۱

شرح لغات و مفردات خطبه مذکور ۵۰۷

باب صد و بیست و سوم سر این که امیر المؤمنین علیه السلام با اهل بصره مقاتله فرمود ولی اموالشان را به حال خود

گذارد و دستور غارت آن را نداد ۵۱۳

باب صد و بیست و چهارم سر این که امیر المؤمنین علیه السلام در هنگام ولایت و خلافتشان چرا زمین فدک را ترک

کردند ۵۱۵

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۱۴

باب صد و بیست و پنجم سر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله کنیه امیر المؤمنین علیه السلام را ابو تراب قرار

داد ۵۱۷

باب صد و بیست و ششم سر این که امیر المؤمنین علیه السلام چهار انگشتر به دست می‌نمودند ۵۲۳

باب صد و بیست و هفتم سر این که امیر المؤمنین علیه السلام انگشتر را به دست راست می‌کردند ۵۲۵

باب صد و بیست و هشتم سر این که جلو سر مبارک امیر المؤمنین علیه السلام مو نداشت و جهت نامیده شدن

حضرت به انزع البطین ۵۲۷

باب صد و بیست و نهم سر این که علی بن ابی طالب علیه السلام به امیر المؤمنین و شمشیر آن جناب به ذو الفقار موسوم شده و علت نامیده شدن قائم به قائم و مهدی به مهدی ۵۲۹

باب صد و سیام سر این که علی بن ابی طالب علیه السلام تقسیم کننده بهشت و دوزخ گردیده ۵۳۳

باب صد و سی و یکم سر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را وصی خود قرار داده نه دیگری را ۵۴۹

باب صد و سی و دوم سر تربیت و پرورش دادن نبی اکرم صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را ۵۵۷

باب صد و سی و سوم سر این که فقط علی بن ابی طالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ارث برد ۵۵۷

باب صد و سی و چهارم سر داخل شدن امیر المؤمنین علیه السلام در شوری ۵۶۱

باب صد و سی و پنجم سر این که بعضی از ائمه علیهم السلام با شمشیر خروج نموده و ۵۶۳

باب صد و سی و ششم سر این که نبی اکرم صلی الله علیه و آله از غنائم جنگی دو سهم به علی علیه السلام دادند با این که آن حضرت در مدینه بوده و در جنگ شرکت نداشتند ۵۶۵

باب صد و سی و هفتم سر این که علی بن ابی طالب اولین نفری است که وارد بهشت می شود ۵۶۷

باب صد و سی و هشتم سر خضاب نکردن امیر المؤمنین علیه السلام ۵۶۷

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۱۵

باب صد و سی و نهم سر این که امیر المؤمنین علیه السلام طاقت نیاورد رسول خدا صلی الله علیه و آله را موقع بزیر انداختن بتها از پشت بام کعبه حمل نماید ۵۶۹

باب صد و چهلم سر فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسی که مرا به خروج برج آذار بشارت دهد اهل بهشت می باشد ۵۷۷

باب صد و چهل و یکم سر فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله: آسمان سبز سایه نیانداخته بر سر کسی و کره خاک حمل نکرده است بر روی خود صاحب لهجه ای صادق تر از جناب ابو ذر رحمه الله علیه ۵۷۹

باب صد و چهل و دوم سر نامیده شدن علیا مخدره فاطمه سلام الله علیها به فاطمه ۵۸۳

باب صد و چهل و سوم سر نامیده شدن فاطمه زهراء سلام الله علیها به زهراء ۵۸۷

باب صد و چهل و چهارم سر این که حضرت فاطمه و مریم علیها السلام به بتول نامیده شده‌اند ۵۹۱

باب صد و چهل و پنجم سر این که حضرت فاطمه علیها السلام برای دیگران نه برای خویش دعاء می‌فرمودند ۵۹۳

باب صد و چهل و ششم سر نامیده شدن حضرت فاطمه علیها السلام به محدثه ۵۹۵

باب صد و چهل و هفتم سر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را بسیار می‌بوسیدند ۵۹۷

باب صد و چهل و هشتم سر این که امیر المؤمنین علیه السلام فاطمه سلام الله علیها را بعد از وفات غسل داد ۶۰۱

باب صد و چهل و نهم به چه سبب فاطمه علیها السلام شب دفن شد و روز دفن نشد؟ ۶۰۱

باب صد و پنجاهم سر برگرداندن نبی اکرم صلی الله علیه و آله کسی را که به وی سوره براءت را داده بودند و به

جای او حضرت علی علیه السلام را فرستادن ۶۱۵

باب صد و پنجاه و یکم سر مأمور شدن خالد بن ولید برای کشتن امیر المؤمنین علیه السلام ۶۱۹

باب صد و پنجاه و دوم سر اثبات ائمه علیهم صلوات الله ۶۲۵

مناظره هشام بن حکم با عمرو بن عبید ۶۲۹

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۱۶

باب صد و پنجاه و سوم سر این که زمین از حجت خدا بر خلائق خالی نباید باشد ۶۳۵

باب صد و پنجاه و چهارم سر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله درب تمام منازل را به مسجد بستند مگر درب

منزل علی علیه السلام را ۶۵۳

باب صد و پنجاه و پنجم سر این که واجب است امام از نظر قبیله و جنس و نسب و ۶۵۵

باب صد و پنجاه و ششم سر قرار داده شدن امامت در اولاد حضرت امام حسین نه امام حسن صلوات الله علیهما ۶۶۳

باب صد و پنجاه و هفتم سر این که چرا بر امت معرفت ائمه بعد از پیامبر واجب بوده و معرفت به ائمه قبل از نبی

صلی الله علیه و آله واجب نیست ۶۷۹

باب صد و پنجاه و هشتم سر این که چرا سیره امیر المؤمنین علیه السلام بین اسراء چنین بود ۶۸۱

باب صد و پنجاه و نهم سر این که حضرت امام حسن صلوات الله علیه با معاویة بن ابی سفیان صلح و مداهنه نمود و

مجاهدت نفرمود ۶۸۱

باب صد و شصتم سر صلح نمودن امام حسن علیه السلام با معاویه علیه الهاویه و ماهیت و چگونگی آن ۷۱۷

باب صد و شصت و یکم سر دفن نشدن حضرت حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام در کنار رسول صلی الله علیه و آله ۷۳۱

باب صد و شصت و دوم سر این که روز عاشوراء از نظر مصیبت بزرگترین روزها می باشد ۷۳۱

باب صد و شصت و سوم سر اقدام اصحاب امام حسین علیه السلام بر کشته شدن ۷۳۹

باب صد و شصت و چهارم سر این که حضرت قائم علیه السلام فرزندان قاتلین امام حسین علیه السلام را به خاطر کردار پدرانشان می کشد ۷۴۱

باب صد و شصت و پنجم سر این که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام زین العابدین نامیده شدند ۷۴۳

باب صد و شصت و ششم سر نامیده شدن علی بن الحسین علیهما السلام به سجاد ۷۴۹

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۱۷

باب صد و شصت و هفتم سر نامیده شدن علی بن الحسین علیهما السلام به ذو الثفئات ۷۵۱

باب صد و شصت و هشتم سر نامیده شدن ابو جعفر محمد بن علی علیهما السلام به باقر ۷۵۱

باب صد و شصت و نهم سر نامیده شدن ابو عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام به صادق ۷۵۳

باب صد و هفتادم سر نامیده شدن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به کاظم ۷۵۷

باب صد و هفتاد و یکم سر پدید آمدن مسلک وقف بر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام ۷۵۷

باب صد و هفتاد و دوم سر نامیده شدن علی بن موسی علیهما السلام به رضا ۷۵۹

باب صد و هفتاد و سوم سر این که امام رضا علیه السلام ولایت عهدی را از مأمون پذیرفت ۷۶۱

باب صد و هفتاد و چهارم سر این که مأمون حضرت رضا علیه السلام را با سم به قتل رساند ۷۶۷

باب صد و هفتاد و پنجم سر نامیده شدن حضرت محمد بن علی بن موسی علیهم السلام به تقی و علی بن محمد بن علی بن موسی علیهم السلام به نقی ۷۷۳

باب صد و هفتاد و ششم سر نامیده شدن حضرت علی بن محمد و حسن بن علی علیهم السلام به عسکریین ۷۷۳

باب صد و هفتاد و هفتم سر این که حق تعالی انبیاء و ائمه علیهم السلام را در تمام احوال غالب قرار نداده ۷۷۵

باب صد و هفتاد و هشتم سر عداوت بنی امیه با بنی هاشم ۷۷۹

باب صد و هفتاد و نهم سر و علت غیبت ۷۷۹

باب صد و هشتادم سر دفاع حق عز و جل از اهل گناه ۷۸۷

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۱۸

باب صد و هشتاد و یکم سر پدید آمدن زمستان و تابستان ۷۸۹

باب صد و هشتاد و دوم اسرار و علل شرایع و احکام و اصول اسلام ۷۹۱

علل و اسرار احکام از زبان فضل بن شاذان ۸۰۳

باب صد و هشتاد و سوم سر پدید آمدن غائط در انسان و علت تعفن آن ۸۶۹

باب صد و هشتاد و چهارم سر این که انسان در وقت تغوط و تخلی به پائین خود می‌نگرد ۸۷۱

باب صد و هشتاد و پنجم سر نهی شدن از تغوط در زیر درختان میوه‌دار و جهت آنس داشتن درختان میوه‌دار و سبب

نامیده شدن سدره المنتهی به این نام ۸۷۵

باب صد و هشتاد و ششم سر اجتناب از ادرار ۸۷۹

باب صد و هشتاد و هفتم سر مکروه بودن زیاد نشستن برای تخلی ۸۷۹

باب صد و هشتاد و هشتم سر مکروه بودن ریختن دیگری آب وضوء را بر وضوء گیرنده ۸۷۹

باب صد و هشتاد و نهم سر جعل و تشریح شدن وضوء ۸۸۱

باب صد و نودم سر این که مسح به جزئی از سر و پاها می‌باشد ۸۸۱

باب صد و نود و یکم سر وضوء دادن فقط جوارح چهارگانه ۸۸۳

باب صد و نود و دوم سر مستحب بودن گشودن چشم‌ها هنگام وضوء ۸۸۷

باب صد و نود و سوم سر مستحب بودن زدن آب به صورت در وضوء ۸۸۷

باب صد و نود و چهارم سر مکروه بودن استعمال آبی که آفتاب آن را گرم کرده ۸۸۷

باب صد و نود و پنجم سر این که جنابت موجب غسل است نه ادرار و غائط ۸۸۹

باب صد و نود و ششم سر این که وقتی شخص از خواب بیدار شد جایز نیست دستش را پیش از شستن در ظرف آب وضوء نماید ۸۹۱

باب صد و نود و هفتم سر وجوب وضوء برای آنچه از بدن خارج می‌شود و عدم وجوبش برای آنچه داخل بدن می‌گردد ۸۹۱

باب صد و نود و هشتم سر مستحب بودن وضوء پیش از طعام و بعد از آن ۸۹۳

باب صد و نود و نهم سر شستن چربی خارج دهان را با چوبک و نشستن داخل دهان را با آن ۸۹۳

باب دویستم سر نهی نمودن از ادرار کردن در آب راکد ۸۹۳

باب دویست و یکم سر جایز نبودن تکلم و سخن گفتن در حال تخلی ۸۹۵

باب دویست و دوم سر جواز حکایت کردن اذان و ذکر خدا گفتن برای شخص در حال تغوط ۸۹۵

باب دویست و سوم سر وجوب غسل روز جمعه ۸۹۹

باب دویست و چهارم سر این که به زنان اجازه داده‌اند در سفر غسل جمعه را ترک کنند ۹۰۱

باب دویست و پنجم سر این که مردم با سه سنگ مخرج غائط را تطهیر و تنظیف نموده و جهت استنجاء و تطهیر آنها با آب ۹۰۱

باب دویست و ششم سر مضمضه و استنشاق نمودن و جزء وضوء نبودن آنها ۹۰۳

باب دویست و هفتم سر واجب نبودن شستن و آب کشیدن جامه‌ای که در آب استنجاء افتاده ۹۰۵

باب دویست و هشتم سر واجب نبودن مضمضه و استنشاق در غسل جنابت ۹۰۵

باب دویست و نهم سر این که مرد اگر پیش از ادرار نمودن غسل کند و پس از غسل رطوبتی از او خارج شود باید غسل را اعاده نماید ولی در زن اعاده غسل واجب نیست ۹۰۷

باب دویست و دهم سر این که بر حائض و جنب جائز است در مسجد عبور کنند ولی حق ندارند در آن چیزی بگذارند ۹۰۷

باب دویست و یازدهم سر فرق بین آبی که از شخص صحیح و سالم خارج شده و آب رقیقی که از مریض بیرون می‌آید ۹۰۹

باب دویست و دوازدهم نوادر ۹۱۱

باب دویست و سیزدهم سر این که هنگام وضوء واجب است نام حق تعالی برده شود ۹۱۱

باب دویست و چهاردهم سر این که وضوء گیرنده وقتی فراموش کرد ذراع و سر را بشوید باید وضوء را اعاده کند ۹۱۳

باب دویست و پانزدهم علت پیدایش حیض در زنان ۹۱۳

باب دویست و شانزدهم سر آغاز کردن صاحب خانه و ابتدائش به وضوء پیش از خوردن طعام ۹۱۵

باب دویست و هفدهم سر این که زن نفساء هیجده روز ایام ناپاکی او است نه کمتر و نه بیشتر ۹۱۷

باب دویست و هیجدهم سر این که جایز نیست زن حائض خضاب کند ۹۱۷

باب دویست و نوزدهم سر این که زن حامل حیض نمی‌شود ۹۱۹

باب دویست و بیستم آداب حمام ۹۱۹

باب دویست و بیست و یکم سر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله امر به مسواک با هر نمازی فرمودند ۹۲۱

باب دویست و بیست و دوم سر این که در وقت بلند شدن برای نماز شب مسواک کردن سنت گردیده است ۹۲۳

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۲۱

باب دویست و بیست و سوم سر این که زنان نبی اکرم صلی الله علیه و آله وقتی غسل جنابت می‌کردند زردی عطر را بر اجساد خود باقی گذارده و بر طرف نمی‌کردند ۹۲۳

باب دویست و بیست و چهارم سر این که زن حائض روزه را قضا نموده ولی نماز را قضا نمی‌کند ۹۲۳

باب دویست و بیست و پنجم سر این که جامه‌ای را که با شیر و ادرار دختر بچه ملاقات کرده باید شست ولی در صورت ملاقات با شیر و ادرار پسر بچه شستن آن واجب نیست ۹۲۵

باب دویست و بیست و ششم سر این که بعد از بیرون آمدن خون از بینی داخل آن شستن واجب و لازم نیست ۹۲۷

باب دویست و بیست و هفتم سر این که طائفه ازد از همه مردم شیرین‌زبان‌تر هستند ۹۲۷

باب دویست و بیست و هشتم سر این که امام صادق علیه السلام مدت دو سال مسواک کردن را ترک کردند ۹۲۷

باب دویست و بیست و نهم سر این که تمام بدن حائض پاک است مگر موضع و مکان خروج خون حیض ۹۲۹

باب دویست و سی‌ام سر این که مستحب است انسان در تمام احوال با وضوء باشد ۹۲۹

باب دویست و سی و یکم سر این که مذی و وذی ناقض وضوء نیستند ۹۳۱

باب دویست و سی و دوم سر این که اهل کتاب مردگان‌شان را به شام حمل می‌کنند ۹۳۱

باب دویست و سی و سوم سر این که تب یک شب کفاره گناه یک سال می‌باشد ۹۳۳

باب دویست و سی و چهارم سر رو به قبله نمودن میت ۹۳۵

باب دویست و سی و پنجم سر آسان و سخت جان دادن مؤمن و کافر ۹۳۵

باب دویست و سی و ششم سر این که جایز نیست جنب و حائض موقع تلقین میت حاضر باشند ۹۳۹

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۲۲

باب دویست و سی و هفتم سر بو گرفتن جسد بعد از خروج روح و سبب پیدا شدن آرامش بعد از مصیبت و جهت

افتادن حیوان آفت‌زا در طعام (گندم و جو) ۹۳۹

باب دویست و سی و هشتم سر غسل دادن میت و علت غسل نمودن کسی که میت را غسل می‌دهد و وجه نماز

گزاردن بر آن ۹۴۱

باب دویست و سی و نهم سر این که میت را موقع دفن به طرف قبله متوجه می‌سازند ۹۴۵

باب دویست و چهلم سر این که شایسته است اولیاء میت به برادران دینی مرگ او را اعلام کنند ۹۴۷

باب دویست و چهل و یکم سر این که مستحب است برای اموات کفن نیکو انتخاب کنند ۹۴۷

باب دویست و چهل و دوم سر این که وزن سیزده درهم و ثلث درهم کافور برای میت مستحب شده ۹۴۹

باب دویست و چهل و سوم سر این که برای میت جریده و چوب می‌گذارند ۹۴۹

باب دویست و چهل و چهارم سر این که در نماز میت پنج تکبیر بر آن گفته می‌شود ۹۴۹

باب دویست و چهل و پنجم سر این که مخالفین بر میت چهار تکبیر می‌گویند ۹۵۳

باب دویست و چهل و ششم سر این که مکروه است جلو جنازه مخالفین حرکت نمود ۹۵۵

باب دویست و چهل و هفتم سر این که از ریختن خاک در قبور ارحام نهی وارد شده است ۹۵۷

باب دویست و چهل و هشتم سر این که قبر را چهار گوش درست می‌کنند ۹۵۷

باب دویست و چهل و نهم سر این که با کفش داخل قبر شدن مکروه است ۹۵۷

باب دویست و پنجاهم سر این که وقتی میت با جنب اجتماع کردند و آب برای هر دو کافی نباشد جنب مقدم بوده و غسل باید بکند و میت رها شود ۹۵۹

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۲۳

باب دویست و پنجاه و یکم سر این که نباید ناگهان میت را وارد قبر نمود ۹۶۱

باب دویست و پنجاه و دوم سر این که بهترین صف‌ها در نمازهای یومیه صف مقدم بوده و در نماز جنائز صف مؤخر می‌باشد ۹۶۱

باب دویست و پنجاه و سوم سر اشگ آمدن از چشم انسان هنگام مرگ ۹۶۳

باب دویست و پنجاه و چهارم سر این که شایسته است صاحب مصیبت عبا نپوشد ۹۶۳

باب دویست و پنجاه و پنجم سر آب پاشیدن بر روی قبر ۹۶۵

باب دویست و پنجاه و ششم سر این که جایز نیست میت را تنها بگذارند ۹۶۵

باب دویست و پنجاه و هفتم سر این که مستحب است ولی میت بعد از رفتن مردم از سر قبر آنجا مانده و با صدای بلند برای میت تلقین بخواند ۹۶۵

باب دویست و پنجاه و هشتم سر این که نباید کفن اموات را بخور داده و مردگان را با عطر معطر نمایند ۹۶۷

باب دویست و پنجاه و نهم سر این که انسان چرا در سرزمینی متولد شده و در جای دیگر از دنیا می‌رود ۹۶۷

باب دویست و شصتم سر این که نباید مرگ مؤمن را کتمان نمود ۹۶۹

باب دویست و شصت و یکم سر این که وقتی روح از بدن خارج می‌شود انسان درد حس کرده ولی وقتی با بدن و جسم ترکیب می‌شود چنین حسی نمی‌نماید ۹۶۹

باب دویست و شصت و دوم سر عذاب در قبر برای اموات ۹۶۹

مقدمه ناشر

همانگونه که در حدیث ثقلین آمده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مسلمانان را به تمسک بر دامن قرآن و اهل بیت خود فرمان داده و با تأکید فراوان از امت اسلامی خواسته است که هرگز از این دو امانت گرانقدر جدا نشوند. این بدان جهت است که قرآن فراگیر مبانی و احکام اسلام است و اهل بیت علیهم السلام مفسر و شارح آن می‌باشند و بیان تفصیل آنچه در قرآن به صورت کلی ذکر شده بر عهده اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام است و خوشبختانه احادیث بسیار و روایات فراوانی از اهل بیت به دست ما رسیده که ثروتی گرانبهاست و میراثدار این گنج بی پایان هستیم.

محدثان و مؤلفان شیعه در طول تاریخ زحمتهای فراوانی در جهت نقل و جمع آوری و تنظیم و تبویب این احادیث متحمل شده‌اند و حقی بزرگ بر گردن نسل‌های بعدی دارند. در میان آنان ثقة‌المحدثین محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق رحمه الله (متوفی ۳۸۱ هـ ق) در نشر احادیث و احیای علوم آل محمد علیهم السلام نقشی برجسته و سهمی وافر دارد و کتابهای حدیثی متعددی از خود بر جای گذاشته است که هر کدام در جای خود ستاره‌ای می‌درخشند.

یکی از کتابهای حدیثی شیخ صدوق رحمه الله که باسبک و سلیقه خاصی نوشته شده کتاب گرانقدر «علل الشرائع» است که در آن به علت‌های معارف و فلسفه احکام پرداخته شده و توضیحاتی را که ائمه معصومین علیهم السلام در باره برخی از موضوعات سوال برانگیز داده‌اند جمع آوری شده است و از این جهت کتابی بسیار سودمند و جذاب است.

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۲۵

انتشارات مؤمنین که همواره سعی در نشر علوم اهل بیت دارد تصمیم گرفت که این کتاب ارزشمند را برای اولین بار با ترجمه کامل و روان همراه با متن عربی آن چاپ و منتشر نماید تا هموطنان عزیز و فارسی زبانان نیز از مطالب ارزشمند آن استفاده کنند. به همین جهت از دانشمند محترم حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای سید محمد جواد ذهنی تهرانی در خواست نمود که این کتاب را ترجمه نمایند و معظم له با وجود مشغله علمی فراوان این درخواست را قبول کرده و با صبر و حوصله این کتاب شریف را به فارسی ترجمه کردند که اینک تقدیم دوستداران علم و فضیلت می‌شود.

در اینجا از کلیه کسانی که در مراحل مختلف چاپ این اثر زحمت کشیده‌اند بخصوص از مسئول محترم کامپیوتر کلمه که صفحه آرایی آن را بر عهده داشتند صمیمانه تشکر می‌کنیم و امیدواریم خداوند متعال ما را از پیروان راه قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت قرار بدهد.

انتشارات مؤمنین

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۲۶

مقدمه مترجم

حمد و ثناء زیننده خالق موجودات و شایسته آفریننده هستی‌ها است، پدید آورنده‌ای که در هر پدیده‌اش اسرار و رموزی نهفته که جز خود و حاملان علومش دیاری به آن آگاه نبوده و احدی به آن راه نمی‌برد.

و بهترین و خالص‌ترین درود و تهنیت ما بر سرور کائنات و تاج الأنبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که حامل بهترین و کامل‌ترین شرایع یعنی شریعت اسلام می‌باشد و گرمترین و باشورترین سلام ما بر افضل اوصیاء و اشرف اصفیاء حضرت علی بن ابی طالب امیر المؤمنین سلام الله و صلواته علیه و اولاد طیبین و طاهرینش که جملگی حاملان اسرار و کاشفان رموز عالم آفرینش و امینان وحی الهی هستند.

بر ارباب دانش و محققان این نکته مخفی و پنهان نیست که در بین تمام شرایع و ادیان الهی شریعتی کامل‌تر و جامع‌تر از شریعت غراء اسلام نبوده و اساس تمام مذاهب و مسالک آسمانی مقدمه و پیشتازان این مکتب خدائی بوده‌اند و این سخن در حد ادعاء و مجرد ایراد کلام نبوده بلکه مبرهن و مدلل است زیرا هم شارع این شریعت افضل از شارعین شرایع بوده و هم خلفاء و اوصیاءش اشرف خلفاء و اوصیاء انبیاء می‌باشند و شاهد بر این ادعاء آن است که هیچ یک از حاملان وحی و اوصیاء آنها همچون نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرات ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین به شرح و رموز و اسرار آفرینش و بیان مصالح در حکم احکام نپرداخته و پرده از امور نهانی و خبیات عالم هستی بر نداشته‌اند منتهی جای تأسف و تأثر است که در عصر حضور این ذوات مقدسه و زمانی که به ایشان دسترسی بود ضعف مقتضیات و قوت موانع به حدی بود که تشنگان علم و دانش نتوانستند از اقیانوس پهناور بلکه بی‌پایان علوم این اعاجیب عالم خلقت سیراب

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۲۷

شوند و آنچه از ناحیه این سروان تراوش نموده قطره‌ای از بحر لا یتناهای علوم ایشان بوده که فعلا در دست ما است که مع الاسف پاره‌ای از آنها به واسطه دخالت جعلین و دسائین بر ما مشتبه و مختلط بوده به طوری که یقین به صدور آنها از منبع وحی نداریم ولی در عین حال از پاره‌ای دیگر که انصافا مقدار قابل توجهی است کمال استفاده و بهره را می‌بریم، باری علماء امامیه کثر الله امثالهم در سایه سعی و کوشش و بذل جهد توانسته‌اند این کلمات درربار را در مجموعه‌هائی جمع آوری کرده و به انحاء و اطوار گوناگون منظم نموده و در اختیار طالبین قرار دهند و از جمله

ایشان مرحوم ثقة‌المحدثین عالم بزرگوار شیخ جلیل ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه است، ایشان که از فحول محدثین و علماء بزرگ امامیه می‌باشند تألیفات عدیده‌ای داشته که یکی از آنها کتاب شریف «علل الشرائع» است که کتاب حاضر می‌باشد، مؤلف گرانمایه در این کتاب احادیث و اخباری را گردآوری نموده که به اسرار و رموز عالم پرداخته‌اند و چون اغلب فارسی‌زبانان از بهره‌مند شدن از این کتاب محروم بودند لا جرم حقیر حسب پیشنهاد مدیران محترم انتشارات مؤمنین آقایان محمد تقی جعفری و مهدی فخیم حفظهما الله به ترجمه این کتاب پرداختم. امید است که مقبول درگاه حق افتد و طالبین از آن بهره کافی برده و مترجم و ناشر و تمام کسانی که در تنظیم و به ثمر رساندن این اثر سهیم بوده همچون حروفچین و لیتوگراف و مدیر مطبعه و دیگران را از دعاء خیر فراموش ننمایند.

قم - سید محمد جواد ذهنی تهرانی

علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۲۹

[متن]

بسم الله الرحمن الرحيم ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است، و رحمتش بر سرور ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دودمان و فرزندان پاک و پاکیزه‌اش و سلام و تهنیت بر او و بر آنها باد.

شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه فقیه قمی که خدا از او خشنود بوده و وی را نیز از خویش خشنود گردانده و بهشت را جایگاه و مکانش قرار دهد می‌گوید:

باب اول جهت نامیدن آسمان، به آسمان و دنیا به دنیا و آخرت به آخرت و وجه نامگذاری حضرت آدم به آدم و حواء به حواء و درهم به درهم و دینار به دینار و سر این که به اسب «اجد» و به قاطر «عد» و به درازگوش «حر» می‌گویند

حدیث (۱) علی بن احمد بن رضی الله عنه می‌گوید: محمد بن یعقوب از علی بن محمد نقل نموده که وی باسنادش حدیث ذیل را مرفوعاً^۱ نقل کرده:

شخصی یهودی محضر علی بن ابی طالب علیه السلام رسید و عرض کرد: چند سؤال از شما می‌نمایم در صورتی که جواب آنها را بدهید اسلام می‌آورم.

علی علیه السلام فرمودند: آنچه خواهی پرس و محققا کسی را داناتر از ما اهل بیت نخواهی یافت.

^۱ (۱) - حدیث مرفوعه در اصطلاح درایه خبری است که سند آن از وسط قطع شده باشد چه یکی از وسائط را نیاورند و چه بیشتر مشروط به این که تصریح به رفع بنمایند مانند حدیث مذکور و این قسم از خبر را داخل در حدیث مرسل به معنای اعم می‌دانند.